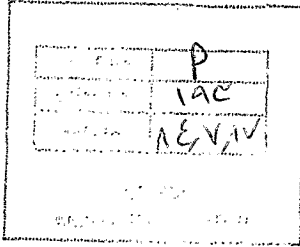


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه پیام نور

دانشکده‌ی تحصیلات تکمیلی



گروه زبان‌شناسی همگانی

پایان‌نامه

برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد در

رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی

عنوان

توصیفی زایشی از نظام آوایی کردی خِزلی (دهستان

کارزان ایلام): رویکردی خطی

مؤلف

طیبه خوشبخت

استاد راهنما

دکتر یدالله پرمون

استاد مشاور

دکتر سیدمهدی سمائی

تیرماه ۱۳۸۴

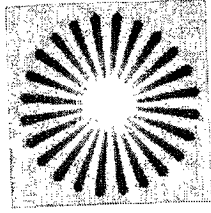
۹۵۶۴۲

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه پیام نور

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۱

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۱

✓



دانشگاه پیام نور - مرکز تهران

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان

توصیفی زایشی از نظام آوایی کردی خزلی ( دهستان کارزان ایلام ) :

دویکردی خطی

در تاریخ: ۸۴/۴/۱۵

با درجه : عالی

به تائید هیات

داوران به شرح ذیل رسید .

نام و نام خانوادگی

آقای دکتر پرمون

آقای دکتر سمائی

سرکار خانم دکتر روشن

نماینده گروه سرکار خانم دکتر روشن

هیات داوران

استاد راهنما

استاد مشاور

استاد داور

امضاء

تقدیم به:

پدرم، مادرم و بزرگانی که در محضرشان آموختم  
طیبه خوشبخت

«تمام لهجه‌های بازمانده در زبان کُردی از زبان پایه و قدیم و نیرومندی نشأت گرفته‌اند و آن زبان مادی است» [۳۰] (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۶۴).

ادبیات غنی و گرانبه‌ای جوامع کُرد، نشان از اصالت و غنای فرهنگی این اقوام دارد. زندگی اقوام کُرد و دیرینه‌ی تاریخی آن، گنجینه‌ی بکر و نابی است که از حدیث مواجهه با کنکاش‌های علمی، فقیر مانده است. کردهای خزل، نیز، هیچ‌گاه، از این فقر مستثنی نبوده‌اند.

گونه‌ی زبانی خزلی، با آن که ویژگی‌های منحصر به فردی را داراست که در نوع خود، بسیار شگفت‌انگیز و زیبایی‌مند، اما، همواره مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گرفته‌است. اندک مطالعاتی که در زمینه‌ی گونه‌ی خزلی صورت گرفته‌است، در مقابل دریای بیکران ظرایف آن، بسیار ناچیز است.

امید است این پژوهش، به عنوان اولین قدم علمی در زمینه‌ی مطالعه‌ی نظام آوایی حاکم بر گفتار کُردان خزل، قدمی محکم و استوار بوده باشد، و اگر چنین است، به حق، پژوهشگر خود را مدیون بزرگانی می‌داند که با آموزه‌های گرانبه‌ایشان وی را بنده‌ی خویش ساختند.

این پژوهش، حاصل زحمات و راهنمایی‌های ارزشمند عزیزانی است که نام ایشان را زینت این دفتر قرار می‌دهیم. آقای دکتر یدالله پرمون، استاد راهنمای نگارنده، که با اتکا به راهنمایی‌های گرانبه‌ای ایشان، عزم و اطمینان پژوهشگر در انجام این پژوهش، هر لحظه استوارتر می‌شد. نگارنده افتخار دارد که طی پژوهش حاضر و پیش از آن، از کلاس‌های درس ایشان، نیز، کسب فیض نموده و نظم و دقت ایشان در امر تدریس، پژوهش و ارائه‌ی راهنمایی‌های علمی را الگوی مطالعات خویش قرار داده است، همچنین، همسر گرامی ایشان، سرکار خانم مرجان معاضی که بخشی از زحمات مربوط به آماده‌سازی پژوهش حاضر را تقبل فرمودند،

آقای دکتر سیدمهدی سمائی که پژوهشگر افتخار بهره‌مندی از نظرات ایشان را در طی تحصیل و در خلال پژوهش حاضر دارا بوده است،

خانم دکتر بلقیس روشن که همواره از راهنمایی‌های بی‌دریغ ایشان برخوردار بوده‌ام،

آقای دکتر بهمن زندی که سئوالات پژوهشگر را در امور مربوط به پایان‌نامه‌ی حاضر با بردباری پاسخگو بودند،

آقایان دکتر شهرام نقش‌بندی، دکتر طاهرعلی محمدی، بهزاد رهبر و کرم‌الله پالیزبان، که با همکاری و مساعدت صمیمانه‌شان، نگارنده را مرهون الطاف خویش ساختند،

آقای قباد امیدی و همسر گرامیشان، سرکار خانم خدیجه خوشبخت، که نگارنده را در تمام مراحل گردآوری داده‌های زبانی، یاری فرمودند و سختی و مشقت سفر به روستاهای مختلف دهستان کارزان را با نهایت دلسوزی، صبر و حوصله به جان خریدند،

آقایان میرزا محمد امیدی، جهان‌شاه کریمیان، حسینعلی غیائی، محمدزمان فرجی، محمد نوری، سعدالله و بهادر جهانگیری، علی حسن‌پور (و خانواده‌ی محترم ایشان)، بهزاد، علی، موسی و طالب امیدی، عبدالصاحب محمد حسینی، عظیم و فرهاد بشیری، مهدی عالی‌پور، محمد هواس بیگی، احمد فتاحی، حمید یعقوب‌زاده (مجری صدا و سیمای مرکز ایلام)، سعید بساطی، علی‌کرم عزیزیان، عارف سهرابی، کرم‌الله عبدی، ولی دوستی‌نژاد، شاه‌محمد کیوان (از اهالی روستای

علی‌آباد وسطی)، سرهنگ جانباز محمد وحیدی،

خانمها هاجر امیدی، ثریا کریمیان، گل جهان جهان‌گیری، سمیه و فوزیه بشیری، نسرین میرزاییگی که در امر گردآوری صحیح و اصولی نمونه‌های گویش از هیچ کوششی دریغ نکردند، و سرانجام پدر، مادر و تک‌تک اعضای خانواده‌ی نگارنده که در خلال تحصیلات و تا بدین لحظه، برای وی پشتیبانی متین و پشتوانه‌ای امن بوده‌اند.

در پایان، ضمن تشکر و قدردانی از این سروران، تأکید بر این نکته ضروری است که نگارنده، پژوهش خود را عاری از خطا و قضاوت‌های نادرست نمی‌داند، با این حال امیدوار است در مقابل زحمات ارزنده‌ی این عزیزان و همه‌ی بزرگواران و گویشوران ارجمندی که در ارائه‌ی پژوهش حاضر، نقش داشته‌اند، قصور و کوتاهی نکرده باشد. اینک اگر در میان خوانندگان، حتی اگر یک نفر پیدا شود که مندرجات این پژوهش، در مطالعات علمی وی مؤثر واقع شود، نگارنده پاداش زحمات خود را دریافت داشته و آن را بالاترین توفیقی می‌داند که از انجام این پژوهش حاصل گردیده است.

طیبه خوشبخت

۱۳۸۴

فهرست

صفحه

عنوان

۱	فصل ۱: چارچوب پژوهش
۲	۱-۱- مقدمه
۲	۲-۱- تاریخ، جغرافیا، جمعیت و فرهنگ اجتماع زبانی گویشوران خزل
۴	۳-۱- کلیاتی درباره‌ی زبان کردی
۶	۴-۱- سؤال‌های تحقیق
۶	۵-۱- نحوه‌ی گردآوری داده‌ها و شیوه‌ی انجام پژوهش
۱۲	فصل ۲: مروری بر پیشینه‌ی تحقیق
۱۳	۱-۲- مبانی نظری
۱۳	۲-۱-۲- درآمد
۱۵	۲-۱-۲- متون موجود و مورد استناد پژوهش
۱۵	۳-۱-۲- واج‌شناسی زایشی
۲۰	فصل ۳: آواشناسی کردی خزلی دهستان کارزان ایلام: آواها و ساختمان هجا
۲۱	۱-۳- مقدمه
۲۱	۲-۳- آواها
۲۳	۳-۳- توصیف آوایی همخوان‌های کردی خزلی
۲۳	۳-۳-۱- همخوان‌های انفجاری
۳۸	۳-۳-۲- همخوان‌های خیشومی
۴۲	۳-۳-۳- همخوان‌های لرزان
۴۵	۳-۳-۴- همخوان‌های زنشی
۴۷	۳-۳-۵- همخوان‌های سایشی
۵۸	۳-۳-۶- ناسوده‌ها (نیم‌واکه‌ها/ غلت‌ها)
۶۴	۳-۳-۷- همخوان‌های ناسوده‌ی کناری (روان‌های کناری)
۶۶	۳-۳-۸- همخوان‌های انفجاری-سایشی
۶۸	۳-۴- واکه‌های کردی خزلی
۶۸	۳-۴-۱- واکه‌های پیشین
۷۴	۳-۴-۲- واکه‌های مرکزی
۷۵	۳-۴-۳- واکه‌های پسین

۷۸	۳-۵- ساختمان هجا در کردی خزلی
۷۸	۳-۵-۱- مقدمه
۷۸	۳-۵-۲- انواع هجا در کردی خزلی
۸۲	فصل ۴: نظام آوایی کردی خزلی دهستان کارزان از دیدگاه واج‌شناسی زایشی
۸۳	۴-۱- مقدمه
۸۳	۴-۲- واج‌ها و واج‌گونه‌های کردی خزلی
۸۵	۴-۳- فرآیندهای آوایی نقش‌آفرین در نظام آوایی کردی خزلی
۸۵	۴-۳-۱- دمیدگی
۸۷	۴-۳-۲- واکرفتگی
۸۹	۴-۳-۳- لپی‌شدگی
۹۰	۴-۳-۴- خیشومی‌شدگی واکه
۹۲	۴-۳-۵- کشیدگی واکه
۹۳	۴-۳-۶- زنشی‌شدگی (واج‌گونه‌های زنشی) همخوان لرزان لثوی
۹۵	۴-۳-۷- تولید ناقص
۹۸	۴-۳-۸- پس‌کشیده‌شدگی (واج‌گونه‌های پس‌کشیده و نارهیده‌ی انفجاری‌های دندان‌ی- لثوی)
۱۰۰	۴-۳-۹- واج‌گونه‌های نارهیده‌ی خیشومی لثوی و خیشومی لپی
۱۰۳	۴-۳-۱۰- خوشه‌ی زیرساختی /ng/
۱۰۴	۴-۳-۱۱- واک‌دارشدگی و پیوسته‌شدگی همخوان‌های چاکنایی
۱۰۵	۴-۳-۱۲- واج‌گونه‌های افزایشی همخوان لرزان لثوی
۱۰۷	۴-۳-۱۳- همخوان کناری لثوی و همخوان زنشی برگشتی
۱۰۸	۴-۳-۱۴- واج‌گونه‌های مرکزی واکه‌ی نیمه‌افراشته‌ی پیشین
۱۰۹	۴-۳-۱۵- حذف همخوان چاکنایی بی‌واک در جایگاه پایان هجا و پایان پاره‌گفتار
۱۱۴	۴-۳-۱۶- رابطه‌ی تناوبی همخوان انفجاری دولبی واک‌دار و ناسوده‌ی نرم‌کامی لپی‌شده
۱۱۵	۴-۳-۱۷- افتاده‌شدگی ناسوده‌ی کامی
۱۱۷	۴-۳-۱۸- حذف غلت‌کامی
۱۱۸	۴-۳-۱۹- تغییر شکل واکه‌ی نیمه‌افراشته‌ی پسین [o]
۱۲۱	۴-۳-۲۰- جایگاه ناسوده‌ی (غلت) نرم‌کامی
۱۲۱	۴-۳-۲۱- نمونه‌ای از فرایند نرم‌شدگی
۱۲۱	۴-۴- فرایندهای آوایی وابسته به ساخت‌واژه و نحو
۱۲۱	۴-۴-۱- تکواژ نکره‌ساز



- ۱۲۵ ۴-۴-۲- تکواژ معرفه‌ساز
- ۱۲۸ ۴-۴-۳- تکواژ جمع
- ۱۳۱ ۴-۴-۴- پسوندهای مالکیت
- ۱۳۵ ۴-۵- واج‌ها و واج‌گونه‌ها (مجموعه‌های کمینه)

#### فصل ۵: خلاصه و نتیجه‌گیری

- ۱۴۵ ۵-۱- اهداف پژوهش
- ۱۴۶ ۵-۲- روش‌شناسی پژوهش
- ۱۴۸ ۵-۳- یافته‌ها و دستاوردهای پژوهش
- ۱۴۸ ۵-۴- موارد شایان مطالعه

#### پیوست‌ها

- ۱۵۵ کتابنامه‌ی فارسی-کردی
- ۱۵۷ کتابنامه‌ی انگلیسی

#### واژه‌نامه‌ی فارسی-انگلیسی

- ۱۵۸ واژه‌نامه‌ی فارسی-انگلیسی
- ۱۶۰ واژه‌نامه‌ی انگلیسی-فارسی

#### چکیده‌ی انگلیسی

۱۶۲

### جدول‌ها

صفحه	عنوان
۳	جدول ۱-۱- شهرستان‌های استان ایلام به تفکیک بخش‌ها و دهستان‌ها
۸	جدول ۱-۲- داده‌های پژوهش
۸۴	جدول ۴-۱- واج‌های همخوانی کردی خزلی و واج‌گونه‌های آنها
۸۵	جدول ۴-۲- واج‌های واکه‌ای کردی خزلی و واج‌گونه‌های آنها

### نمودارها

صفحه	عنوان
۵	نمودار ۱-۱- جایگاه کردی خزلی در نمودار زبان‌های هند و اروپایی

نمادها و نشانه‌ها

نمادهای همخوانی

p	انفجاری لبی بی‌واک	v	سایشی لبی-دندانی واک‌دار
b	انفجاری لبی واک‌دار	s	سایشی لثوی بی‌واک
t	انفجاری دندانی-لثوی بی‌واک	z	سایشی لثوی واک‌دار
d	انفجاری دندانی-لثوی واک‌دار	ʃ	سایشی لثوی-کامی بی‌واک
T	انفجاری لثوی بی‌واک	ʒ	سایشی لثوی-کامی واک‌دار
D	انفجاری لثوی واک‌دار	ʒ̥	سایشی ملازی بی‌واک
k	انفجاری نرم‌کامی بی‌واک	ʒ̥	سایشی ملازی واک‌دار
g	انفجاری نرم‌کامی واک‌دار	h	سایشی چاکنایی بی‌واک
q	انفجاری ملازی بی‌واک	ɦ	سایشی چاکنایی واک‌دار
ʔ	انفجاری چاکنایی	j	غلت سخت‌کامی
m	خیشومی لبی	j̥	غلت سخت‌کامی افتاده
ɱ	خیشومی لبی-دندانی	ɰ	غلت نرم‌کامی
n	خیشومی لثوی	w	غلت نرم‌کامی لبی‌شده
ɳ	خیشومی نرم‌کامی	ɥ	غلت کامی لبی‌شده
N	خیشومی ملازی	l	ناسوده‌ی کناری
r	لرزان لثوی	tʃ	انفجاری-سایشی لثوی-کامی بی‌واک
ɹ	لرزان لثوی نرم‌کامی	dʒ	انفجاری-سایشی لثوی-کامی واک‌دار
ɻ	زنشی لثوی	ɣ <sup>w</sup>	سایشی ملازی لبی‌شده‌ی بی‌واک
ɽ	زنشی برگشتی	ɣ <sup>w</sup>	سایشی ملازی لبی‌شده‌ی واک‌دار
f	سایشی لبی-دندانی بی‌واک		

### نمادهای واکه‌ای

i	واکه‌ی افراشته‌ی پیشین غیرکشیده‌ی گسترده	ɛ:	واکه‌ی نیمه‌افتاده‌ی پیشین کشیده‌ی گسترده
y	واکه‌ی افراشته‌ی پیشین غیرکشیده‌ی گرد	æ	واکه‌ی افتاده‌ی پیشین غیرکشیده‌ی گسترده
e:	واکه‌ی نیمه‌افراشته‌ی پیشین کشیده‌ی گسترده	ə	واکه‌ی نیمه‌افراشته‌ی مرکزی
e	واکه‌ی نیمه‌افراشته‌ی پیشین غیرکشیده‌ی گسترده	u	واکه‌ی افراشته‌ی پسین غیرکشیده‌ی گرد
ø:	واکه‌ی نیمه‌افراشته‌ی پیشین کشیده‌ی گرد	ɑ	واکه‌ی افتاده‌ی پسین غیرکشیده‌ی گسترده
ɛ	واکه‌ی نیمه‌افتاده‌ی پیشین غیرکشیده‌ی گسترده		

### نشانه‌ها

C	همخوان	C(C)V(C)(C)(C)	هجاء
C <sup>h</sup>	همخوان دمیده	\$	مرز هجاء
C <sup>w</sup>	همخوان لبی‌شده (گرد)	#	مرز پاره‌گفتار (جایگاه مجاور سکوت)
C <sup>n</sup>	همخوان رهیده در خیشوم	+	مرز تکواژ
C <sup>l</sup>	همخوان رهیده در کنار زیان	.	مرز کلمه
C <sup>r</sup>	همخوان نارهیده	//	واج‌نوشته / نمایش زیرین
V	واکه	[ ]	آوانوشته / نمایش آوایی
V:	واکه‌ی کشیده	( )	حذف‌شدنی
V <sup>~</sup>	واکه‌ی خیشومی‌شده	*	غیرپذیرفتنی
∅	جزء / جایگاه تهی (قاعدہ‌نویسی)	> و <	رابطه‌ی برهم‌کنشی (قواعد واجی)

نام خانوادگی دانشجو: خوشبخت

نام: طیه

عنوان پایان‌نامه: توصیفی زایشی از نظام آوایی کردی خزلی (دهستان کارزان ایلام): رویکردی خطی

استاد راهنما: آقای دکتر یدالله پرمون

استاد (اساتید) مشاور: آقای دکتر سیدمهدی سمائی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: زبان‌شناسی گرایش: همگانی دانشگاه: پیام نور

دانشکده: علوم انسانی تاریخ فارغ‌التحصیلی: نیم‌سال دوم تعداد صفحه: ۱۶۲

سال تحصیلی ۸۳-۸۴

کلید واژه‌ها: واج‌شناسی زایشی، انگاره‌ی واج‌شناسی زایشی استانده، واج‌شناسی خطی، انگاره‌ی SPE، برهم‌کنش

#### چکیده:

انگاره‌ی واج‌شناسی زایشی استانده یا انگاره‌ی SPE، که توسط چامسکی و هله در اثر SPE مطرح شد، نقطه‌ای عطف در بررسی‌های نظام آوایی و واج‌شناسی خطی است. در این انگاره، فهرستی از دستورالعمل‌ها (مختصه‌ها) ارائه می‌شود که قادرند به عنوان یک جهانی عمل کرده و آواهای ممکن گفتار را بسازند (البته این فهرست حاصل بازنگری چامسکی و هله در فهرست‌های پیشین است).

در زبان‌شناسی زایشی، مؤلفه‌های اصلی دستور شامل نحو، نظام معنایی و نظام آوایی است که حوزه‌ی نحو، بخش زبانی دستور یا بخش زایشی آن را تشکیل می‌دهد و دو حوزه‌ی دیگر، بخش‌های تعبیری را به وجود می‌آورند (بخش تعبیری به خاطر اختصاص دادن بازنمایی‌های آوایی و معنایی به بخش زایشی و در واقع، پردازش برون‌داد بخش زایشی با این نام خوانده می‌شود).

برون‌داد بخش زایشی دستور، همان ساخت‌های نحوی است که درون‌داد لازم را برای پردازش بخش تعبیری فراهم می‌کند. پس، روساخت نحوی، ماده‌ی خام و زیرساخت مطالعات واج‌شناختی است؛ یعنی، آن‌جا که کار نحوی تمام می‌شود، کار واج‌شناس آغاز می‌گردد.

به اعتقاد واج‌شناس، برون‌داد نحو، از شبکه‌ای از قاعده‌های منظم واجی عبور می‌کند (نحوه‌ی انتخاب این قواعد قراردادی و خاص هر زبان است) و تغییراتی قابل پیش‌بینی بر آن اعمال می‌شود که براساس تعامل‌ها (برهم‌کنش‌ها) منظم بین قاعده‌ای صورت می‌گیرند. پس، از دید او، آنچه در گفتار اهل زبان، به لحاظ تلفظی دیده می‌شود، حاوی دو نوع اطلاعات است:

الف- اطلاعات غیرقابل پیش‌بینی یا منحصر به فرد که اهل زبان ناچارند آن‌ها را حفظ کنند.

ب- اطلاعات قابل پیش‌بینی و نظام‌مند که قواعد عام زبان در مورد تمام موارد مشابه اعمال می‌کند. واج‌شناس معتقد است که اهل زبان، اطلاعات غیرقابل پیش‌بینی را، در واژگان خود ذخیره کرده‌اند که هنگام تولید گفتار، آن را، به ساخت وارد می‌کنند و اطلاعات قابل پیش‌بینی را از حوزه‌ی نظام آوایی می‌گیرند که این حوزه، شامل قواعدی است که موارد تلفظی را به شیوه‌ی درست آن‌ها، در گفتار جاری می‌کند.

پس، به طور کلی، کار واج‌شناس عبارت است از مطالعه‌ی گفتار و تشخیص‌دادن اطلاعات قابل پیش‌بینی از اطلاعات غیرقابل پیش‌بینی و به قاعده درآوردن اطلاعات قابل پیش‌بینی، مطالعه‌ی برهم‌کنش‌های بین قاعده‌ای و سپردن آن‌ها به حوزه‌ی نظام آوایی است.

پژوهش حاضر، با عنوان «توصیفی‌زایشی از نظام آوایی کردی خزلی دهستان کارزان ایلام (رویکردی خطی)، براساس این مفاهیم بنا نهاده شده است. در پایان این پژوهش، نگارنده موفق گردیده فهرستی به‌اندازه‌ی کافی بزرگ و قابل‌اتکا از قاعده‌مندی‌های تلفظی نقش‌آفرین در این گویش را همراه با استدلال‌ها و تبیین‌های مربوطه، در چارچوب علمی واج‌شناسی SPE ارائه نماید.

فصل اول

چارچوب پژوهش

واج‌شناسی<sup>۱</sup> یکی از جالب‌ترین رشته‌های علم زبان‌شناسی است که از آغاز تاکنون، براساس دیدگاه‌های مختلف و در مکاتب گوناگون به آن پرداخته شده است. اما، به اعتقاد فیشر جورجسن (به نقل از منبع شماره‌ی [۲۱] (فیوج، ۱۳۷۳: ۵۸)) از آن جا که «تحلیل‌های واجی حقایق منسجم نوینی را آشکار نمی‌کنند که مانند آواشناسی<sup>۲</sup> مورد قبول همگان باشد»، انگاره‌ها و موضع‌گیری‌های متفاوتی در رابطه با مطالعات واج‌شناختی، در پیش گرفته شده است که هر یک، تنها، زمانی می‌توانند ادعاهای خود را ثابت کنند که تحت آزمایش و محک داده‌های زبان‌های طبیعی و زنده قرار گیرند.

از جمله‌ی این انگاره‌ها، انگاره‌ی واج‌شناسی زایشی استانده<sup>۳</sup> است که پژوهش حاضر بر آن استوار شده است. این پژوهش، علاوه بر اینکه به بررسی نظام آوایی کردی خزلی از دیدگاه واج‌شناسی زایشی می‌پردازد، می‌تواند توان تبیینی انگاره‌ی مذکور را، نیز، مورد ارزیابی قرار دهد.

## ۲-۱- تاریخ، جغرافیا، جمعیت و فرهنگ اجتماع زبانی گویشوران خزل

ایلام کنونی کانون اصلی ایلام باستان بوده و به همین دلیل نام ایلام بر آن گذاشته شده است، و با این که یکی از مناطق باستانی ایران است و آثار بجای مانده در آن از تمدن‌های درخشان گذشته نشان دارد، اما بسیاری از رموز پیشینه‌ی آن، همچنان، در پس پرده‌ی ابهام باقی است و اندک مطالعات باستان‌شناختی و علمی انجام شده، بدون تردید، روشنگر دریای بیکران عظمت نهفته در دل این سرزمین نیست.

«استان ایلام، از گذشته‌های دور، مهد تمدنی اصیل و منطقه‌ای آباد بوده است. رودخانه‌ی سیمره، با آبیاری و حاصلخیز کردن اراضی منطقه، زمینه‌ی سکونت اقوامی را فراهم کرد، که تمدنی عالی پیرامون این رودخانه ایجاد کردند. دره‌ی سیمره نقش بزرگی در تاریخ ایلام داشته است، و مهمترین خط ارتباطی بین تمدن‌های موجود در کوهها و دشتهای جنوب غرب ایران از این محل می‌گذشته است» [۳] (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۹۹).

«سرزمینی که اکنون استان ایلام نام دارد، بنا به اسناد تاریخی فراوان، بخشی از کشور ایلام باستان بوده است این کشور در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد به وجود آمده و تا سال ۶۴۰ پیش از میلاد به حیات اجتماعی خود ادامه داده است و در عصر طلائی خود از عظمت و اقتدار خاصی برخوردار بوده است. در این سال به وسیله آشور بانپال به خاک و خون کشیده شده و منقرض گشته است.

در این کشور اسامی شهرهایی مانند شوش «پایتخت اصلی»، ماداکتو «پایتخت تابستانی»، اهواز، خایدالو، ماساباتیکی و کایبانه ذکر شده است. قبلاً تصور می‌شد دره شهر کنونی محل شهر ماداکتو بوده است، ولی اکنون در این مورد تردید دارند و هنوز محل دقیق آن مشخص نیست.

در کتیبه‌های بابلی، ایلام را «آلامتو» یا «الام» خوانده‌اند. به قولی به معنای کوهستان یا «کشور طلوع خورشید» است» [۲۳] (گروه آموزش جغرافیای استان ایلام: ۱۳۷۸: ۱۳)

استان ایلام در غرب کشور، بین ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی نسبت به استوا و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد [۳]

1- phonology

2- phonetics

3- Standard Generative Phonology Model



(افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۲۷، به نقل از سالنامه‌ی آماری کشور ۱۳۶۷، صص ۴-۵).

این استان، بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، به ۷ شهرستان، ۱۷ بخش و ۳۶ دهستان تقسیم می‌شود که شیروان و چرداول از جمله شهرستان‌های آن است و بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵، ۲۲۹۸ کیلومتر مربع مساحت دارد و جمعیتی حدود ۷۶۰۵۲ نفر را در خود جای می‌دهد.

جدول ۱-۱ جایگاه دهستان کارزان را در آخرین تقسیمات سیاسی شهرستان شیروان و چرداول نشان می‌دهد.

جدول ۱-۱: شهرستان‌های استان ایلام به تفکیک بخش‌ها و دهستان‌ها بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۵

شهرستان	بخش	مرکز بخش	دهستان
شیروان و چرداول	شیروان	لومار	زنگوان، کارزان، لومار
	مرکزی	سرابله	آسمان آباد، شیباب
	هلیلان	شهرک توحید	بیجنوند، زردلان، هلیلان

دهستان کارزان شامل روستاهای سراب کارزان، چشمه خزان، قنات‌آباد، چشمه پهن، چشمه رشید، جوب دراز و میرزاییگی، کله جوب، کلی کلی، علی‌آباد (علیا، وسطی و سفلی)، چشمه چاهی (علیا، وسطی و سفلی) است که، البته، ساکنان علی‌آباد و چشمه‌چاهی از ایل خزل نیستند<sup>۱</sup>.

به طور کلی، «منطقه‌ای که ایل خزل استان ایلام در آن زندگی می‌کند در شمال و شمال‌غربی شهر ایلام واقع گردیده [است]. این منطقه که شامل آسمان‌آباد، شهر سرابله، زنجیره علیا و سفلی، دهستان کارزان و خضروند می‌باشد از شمال به کوه‌های قلاجه، پویان و خرمة و از مغرب به محدوده ایل کلهر و گردنه چهارمله و از جنوب به کوه‌های بانکول مانشت و قلازنگ و از مشرق به دهستان‌های چرداول و زنگوان محدود گردیده، در قدیم منطقه بیلاقی آنها به شمار می‌رفته است و در حال حاضر ایل خزل به علت رونق گرفتن کار کشاورزی و مشاغل دیگر تقریباً تخت قاپو شده و یکجانشینی را اختیار نموده و ساختمان‌های مسکونی بنا کرده‌اند و نسبت به گذشته تعداد کمی از اهالی به کار دامپروری اشتغال دارند که در فصل سرما به منطقه قشلاق کوچ می‌کنند» [۲۴] (محمدی، ۱۳۷۵: ۲۱).

کردهای خزل از نسل خزعلند. بدین جهت، این ایل در گذشته «خزعل» نامیده شده و با گذشت زمان به ایل «خزل» تغییر نام یافته است.

«ریش سفیدان و صاحب‌نظران این ایل با استناد به شجره‌نامه‌هایی که در اختیار دارند معتقدند این ایل از بنی‌خزاعه منشعب گشته و قرن‌ها پیش به ایران (اطراف نهاوند) مهاجرت نموده و اقامت گزیده‌اند و در حال حاضر هم عده‌ای از مردم ایل خزل که از فرزندان داوود فرزند خزل (خزعل) می‌باشند در این منطقه که به نام بخش خزل در مغرب نهاوند معروف است زندگی می‌کنند» [۲۴] (محمدی، ۱۳۷۵: ۸۱-۸۲).

کوه‌های منطقه‌ی خزل شامل قلاجه، پویان، خرمة، بانکول، لنه، مانشت و قلازنگ هستند. کوه مانشت، از معروف‌ترین و مرتفع‌ترین کوه‌های این منطقه است که آبهای سراب کارزان و قنات‌آباد از آن سرچشمه می‌گیرند. دشت‌های آسمان‌آباد، کارزان و زنجیره از جمله مکان‌های سکونت کردهای خزلند.

<sup>۱</sup> - این اطلاعات از بخش‌داری شیروان کسب شده است.

منطقه‌ی خزل، دارای آب و هوایی کوهستانی، خاکی حاصلخیز و پوششی از گیاهان طبیعی، اغلب با استفاده‌ی طبی، است و زمستان‌هایی سرد و برفی و تابستان‌هایی معتدل تا نسبتاً گرم دارد و آب‌های آن شامل سراب کارزان، قنات‌آباد، سراب زنجیره و رودخانه‌ی سراپله است.

روستای سراب کارزان، بر سر چشمه‌ی سراب کارزان بنا شده و روستای قنات‌آباد، نیز، در کنار آب قنات‌آباد واقع شده است (این دو روستا از جمله روستاهای دهستان کارزان هستند).

طبیعت کوهستانی محل از کردان خزل مردمانی جسور و توانمند ساخته است. جسارت زنان و نقش بارز آنان در زندگی مردان خزل، نیز، زائیده‌ی همین طبیعت است. آنان، علاوه بر ایفای وظایف خانه‌داری خود، دوشادوش مردان در امور کشاورزی و دامپروری فعالند. سیاه چادر، مسکن کوچ روان خزل، حاصل دستهای توانمند زنان است.

«عشایر خزل، در گذشته‌های دور، در چارده‌ور ساکن بودند، ولی بعدها به سرزمین ایلام مهاجرت کردند. خصوصیات عشیره‌ای به قوت گذشته در آنها وجود دارند، از جمله‌ی این خصلتها، حاکمیت پیوندهای خویشاوندی بر کلیه‌ی روابط است» [۳] (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۳۹۰).

خزل‌ها، مسلمان، شیعه مذهب و افرادی صاحب ذوق و اهل شعر و ادبند و بسیاری از سروده‌هایشان اساس مذهبی و حماسی دارد.

کردهای ایلام، و از جمله کردهای خزل، از قرن‌ها پیش تاکنون، نوعی زندگی عشایری داشته‌اند که البته در سالهای اخیر تحولات عمده‌ای بر این شیوه‌ی زندگی حاکم شده است. زندگی اجتماعی این مردمان، تابع قوانین و قاعده‌های خاص اجتماعی است که همگان، خود را موظف به پیروی از آنها می‌دانند و نقض این الگوها نوعی حرمت‌شکنی به شمار می‌آید. مراسم عروسی، سوگواری، جشن و اعیاد، در بین کردها از تقدس و اهمیت ویژه برخوردار است. از سروده‌های محلی خاص کردان می‌توان به چمری، هوره، مویه و رجز اشاره کرد.

### ۱-۳- کلیاتی درباره‌ی زبان کردی

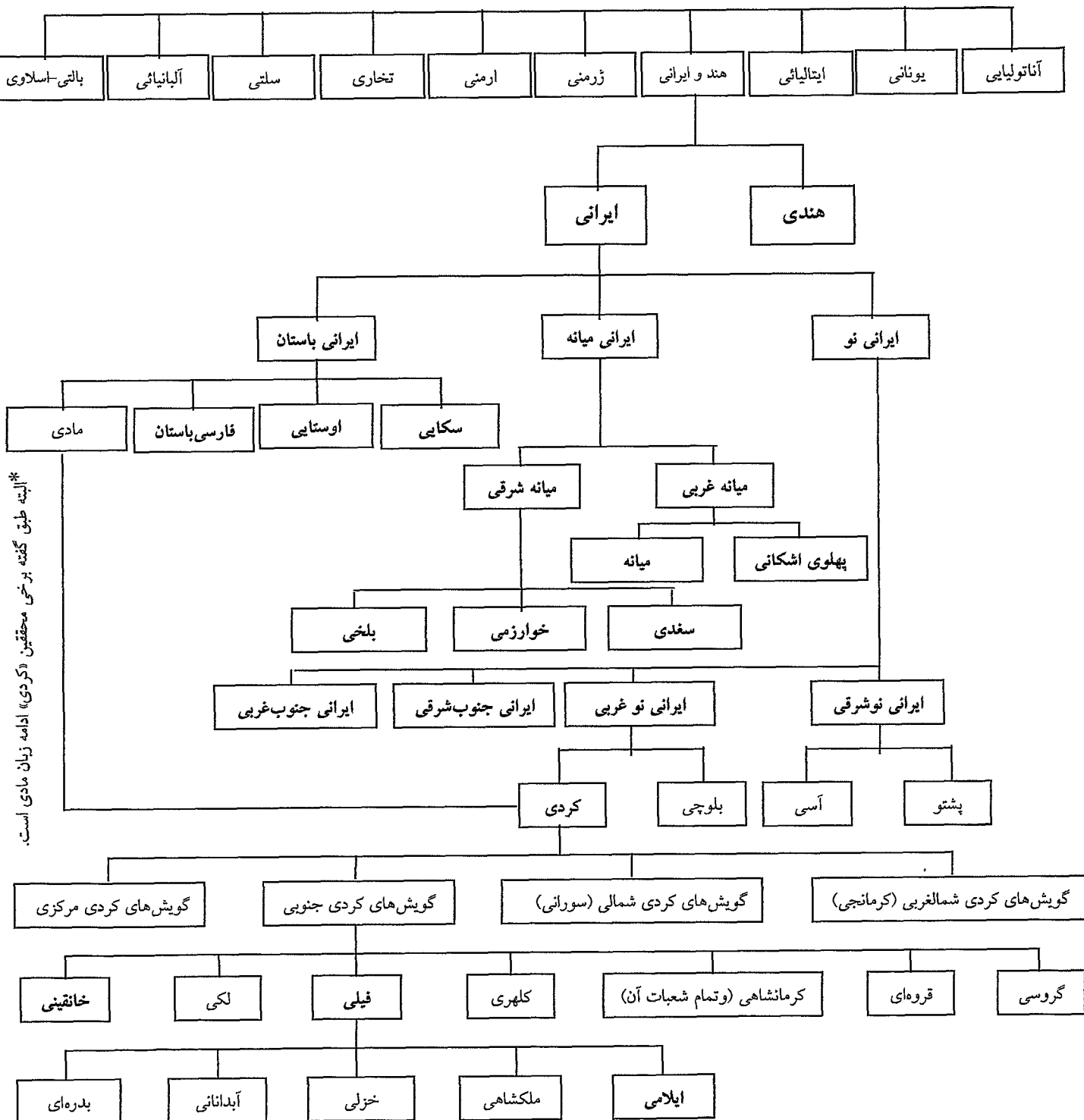
«آنچه تحت عنوان «زبان کردی» از آن نام برده می‌شود، در واقع، گویشهای مختلفی است که گاه اختلاف آنها بدان حد است که سخن همدیگر را در نمی‌یابند. اما اگر در ساختار و ریشه مورد ارزیابی قرار گیرند مشخص می‌شود که همه دارای اساسی واحد می‌باشند و نیز از حیث اشتراکات فرهنگی دارای پیوستگیهای بسیاری هستند. شاید این همه اختلاف به دلیل جدایی و دوری از هم، و زیستن در مناطق مختلف جغرافیایی و همسایگی با اقوام مختلف باشد که در شکل‌گیری گویش‌ها بی‌تأثیر نبوده است» [۱۶] (سارایی، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۵).

عده‌ای بر این باورند که لغات و اصطلاحات متداول در بین کردزبانان، ریشه در زبان‌های باستانی ایران چون اوستایی و پهلوی دارد [۳] (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۴۰۵)، با این حال، بسیاری از زبان‌شناسان، زبان کردی را از شاخه‌ی زبان ایرانی نو می‌دانند.

نظریه‌ای که «کردها را آریایی و از اعقاب مادی‌ها می‌داند بنا به دلایل زبانی و تاریخی، قطعی و مسلم به نظر می‌رسد. مینورسکی زبان کردی را متعلق به گروه زبانهای ایرانی شمال غربی می‌داند و معتقد است که این زبان در اصل و مبداء، زبان گروه عظیمی مجتمع در یک محل بوده و ویژگیهای کلی پیش از این که کردها بسط و توسعه پیدا کنند و پیش از پراکنده‌شدنشان در کوهها شکل گرفته است. او تصور این نکته را که پیدایش لهجه‌های شمال غربی رایج در قلمرو ایران بدون دخالت و شرکت

عامل «مادی» صورت گرفته باشد، محال می‌داند و نتیجه‌گیری می‌کند که با توجه به ملاحظات تاریخی و جغرافیایی باید پذیرفت که بسط و توسعه‌ی کردها فقط از سرزمین ماد کوچک که همان آتروپاتکان یا آذربایجان امروزی است، صورت گرفته است [۱۶] (سارایی، ۱۳۷۹: صص ۳۰-۳۱، به نقل از کرد و کردستان، واسیلی نیکیتین، ص ۴۷).

نمودار ۱-۱: جایگاه کردی خزلی در نمودار خانواده زبان‌های هند و اروپایی (براساس پالیزبان، ۱۳۸۱)



\*البته طبق گفته برخی محققین «کردی» ادامه زبان مادی است.

اشتراک و نزدیکی زبانی و قومی میان گونه‌های زبانی گویشوران کرد و لر، گاه به پاره‌ای قضاوت‌های نادرست می‌انجامد، به گونه‌ای که برخی در تقسیم‌بندی گونه‌های کردی ایلام، آن را لری می‌دانند<sup>۱</sup>.

#### ۴-۱- سؤال‌های تحقیق

در این پژوهش به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

- الف- آیا کردی دهستان کارزان، آواهای همخوانی و واکه‌ای متمایزی را نسبت به زبان فارسی معیار داراست؟
- ب- آیا در کردی دهستان کارزان، قاعده‌های واجی<sup>۲</sup> از نوع حذف<sup>۳</sup>، درج<sup>۴</sup> و ... به چشم می‌خورد؟
- پ- نظام سلسله مراتبی قاعده‌های واجی در کردی خزلی دهستان کارزان به چه صورت است؟
- ت- آیا نظام آوایی کردی خزلی بر اساس مدل استاندارد SPE<sup>۵</sup> قابل تبیین است؟

#### ۵-۱- نحوه‌ی گردآوری داده‌ها و شیوه‌ی انجام پژوهش

در گردآوری داده‌های این پژوهش، از دو شیوه‌ی گردآوری نمونه‌های زبانی استفاده شده است:

##### الف- روش مکانیکی محض:

در این روش، گردآورنده، به گونه‌ای کاملاً خنثی، به حوزه‌ی پژوهش میدانی وارد شده و بدون اطلاع گویشور، داده‌هایی را از گفتار وی بر روی نوار کاست، ضبط کرده است. از این داده‌ها در بخش آواشناسی و استخراج آواها نهایت استفاده شده است.

##### ب- روش مکانیکی هدایت‌شده:

در این روش، پس از گزینش گویشور، مراحل توجیه، به جهت آمادگی وی برای پاسخگویی به پرسش‌های پرسشنامه‌ی تدوین‌شده، صورت گرفته و نمونه‌ی گفتاری با استفاده از دستگاه ضبط گفتار ثبت شده است. شیوه‌ی نخست، به جهت اینکه در شرایطی کاملاً طبیعی دنبال می‌شود، به واقعیت‌های زبانی نزدیکتر است و قواعد و فرایندهای حاکم بر یک نظام زبانی ویژه را، به گونه‌ای قابل اتکاتر در خود منعکس می‌کند. با این حال، گاه جنبه‌هایی از گونه‌های زبانی موردنظر طی، روش مکانیکی محض، در گفتار گویشوران ظاهر نمی‌شود و مواجه شدن با آنها، مستلزم صرف زمان زیادی است که گاه، با توجه به دامنه‌ی محدود امکانات، در عمل، میسر نیست. به جهت مرتفع ساختن این مشکل، پژوهشگر می‌تواند از شیوه‌ی مکانیکی هدایت‌شده، به عنوان شیوه‌ی تکمیلی، بهره‌برد. طی این مراحل، پژوهشگر، به جهت اطمینان از صحت گردآوری نمونه‌ها، خود، در محل پژوهش حضور یافته و پس از گزینش گویشوران، با مراعات شرایط ضبط و مصاحبه، به گردآوری داده‌های پیکره‌ی زبانی پرداخته است.

<sup>۱</sup> - «اکثر شرق‌شناسان، لران را در جمله‌ی کردان به حساب آورده‌اند و این نظریه به ویژه از سوی نویسندگان کرد مقبول افتاده است» [۱۱] (چراغی، ۱۳۸۱: صص ۱۷-۱۸، گاهنامه‌ی ویرا).

<sup>۲</sup> - phonological rules

<sup>۳</sup> - elision

<sup>۴</sup> - insertion

<sup>۵</sup> - *The Sound Pattern of English Model*